جلد:

تیتر: بعثت امت

زیرتیتر: گفتاری از حجج اسلام سیدمهدی خضری و سیدهاشم الحیدری پیرامون نقش اربعین در مقدمه‌سازی ظهور

شناسنامه:

صحیفه45، تمدن اسلامی6

**بعثت امت،** گفتاری از حجج اسلام سیدمهدی خضری و سیدهاشم الحیدری پیرامون نقش اربعین در مقدمه‌سازی ظهور ، تابستان1401

هفتمین گردهمایی فعالان ‌مردمی جبهه ‌انقلاب ‌اسلامی در عرصه ‌اربعین و هفتمین ‌همایش هیأت‌های‌ فعال در ‌عرصه ‌اربعین؛ سوم و چهارم شهریورماه ۱۴۰۱، مسجد‌مقدس‌جمکران.

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: 5000

قیمت: ؟؟؟

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد

**مقدمه**

پدیده اربعین و راهپیمایی با شکوه عزاداران و زائرین امام حسین، عرصه‌ای است برای بعثت جهانی امت اسلام و همچنین رزمایشی در برابر جبهه کفر و نفاق به شمار می‌رود که نباید از ظرفیت‌های آن غافل بود و این مهم در گرو سمت و سو بخشیدن و جهت دادن و هدفمند کردن آن است.

رزمایش اربعین، امتحانی است برای بذل مال و جان در زمان ظهور و کسانی که از این امتحان سربلند بیرون می‌آیند، می‌توانند نسبت به پذیرش ولایت و رهبری امام زمان نیز امیدوار باشند. لذا اربعین مقدمه‌ای است برای این که تمام امت جمع بشوند و زیارت‌نامه بخوانند و در این زیارت همه یک صدا بگویند «و نصرتی لکم معده»، ما آماده نصرت و کمک هستیم.

متن پیش رو گفتاری است از حجج اسلام سیدمهدی خضری و سیدهاشم الحیدری پیرامون جایگاه تمدنی اربعین و نقش آن در مقدمه‌سازی ظهور که در هفتمین گردهمایی فعالان ‌مردمی جبهه‌ انقلاب‌ اسلامی در عرصه‌ اربعین و هفتمین ‌همایش هیأت‌های ‌فعال در ‌عرصه ‌اربعین ایراد گردیده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین سید مهدی خضری

**انقلاب درونی**

حضرت آقا یک صحبتی دارند در مبعث سال 87 که می‌فرمایند: آن روز روزِ بعثت پیامبر اسلام بود و امروز روز بعثت امت اسلامی است؛ ایشان معتقدند که از میان همه امت‌ها، امت اسلامی مبعوث شدند و رسالتی به عهده دارند.

ایشان در کتاب طرح کلی اندیشه یک بحثی با این مضمون دارند زمانی که بعثت اتفاق می‌افتد، یک دگرگونی درونی در خود رسول‌الله رقم می‌خورد و این‌گونه نیست که بعثت فقط یک اتفاق بیرونی و خارجی باشد که کسی که پیامبر شد، فقط قرار است خبر رسانی کند و بس. بلکه صحبت رهبری است که یک قیامت و رستاخیزی درون خود پیامبر به وجود می‌آید که ظهور آن باعث دگرگونی محیط پیرامونش می‌شود.

از همین رو حضرت آقا می‌فرماید: بعثت یک رستاخیز درونی است که در قلب شخص منتخب یعنی نبی و رسول اتفاق می‌افتد و در همین راستا وقتی یک امتی هم مبعوث می‌شود، مطابق با این قاعده باید یک انقلاب درونی در آن امت به وجود بیاید. همان اتفاقی که حضرت امام بارها در سخنرانی‌هایشان به آن اشاره دارند که ابتدا یک انقلاب درونی در امت رخ داده که ظهور آن منجر به انقلاب اسلامی گشته است که بدون هیچ سازماندهی می‌بینیم که در تمامی نقاط کشور حتی در دوردست‌ترین روستاها هم صدای دادخواهی مردم بلند می‌شود.

این انقلاب و دگرگونی درونی امت را در طول سال‌های انقلاب و در دوران دفاع مقدس نیز شاهدش بودیم؛ مثلا در عملیات والفجر 8 که فاو را گرفتیم و بعد از آن عراق شروع کرد به فشار آوردن برای پس‌گیری فاو، یک عده از کسانی را که برده بودند برای دفاع از منطقه، زندانی‌های حبس ابدی بودند که از زندان قصر منتقل شده بودند به آن‌جا و شرط کرده بودند که مجبور به نماز خواندن نشوند، اما همان‌ها کم‌کم جوری متحول شدند که به طور پنهانی نماز شب می‌خواندند، این چه رستاخیزی است که این‌گونه افراد را متحول می‌کند.

**چشمه فیاض اربعین**

وقتی سخنان حضرت آقا را در مورد اربعین رصد می‌کنیم، می‌بینیم که ایشان اربعین را یک نعمت الهی و یک چشمه فیاض و یک جریان خودجوش و سازماندهی نشده‌ای می‌داند که غرب عاجز از تحلیل آن می‌باشد. ایشان اربعین را یک سرمایه‌ای دانسته که نیاز امروز جامعه می‌باشد و شور و شوق آن را هم ضامن حرکت انقلاب معرفی می‌کند.

بنابراین یک رستاخیز و انقلاب درونی جدیدی در حال اتفاق افتادن است که بشر آن را سازماندهی نکرده است. یک زنجیره‌ای از اتفاقات که همزمان رقم می‌خورند؛ شهادت حاج قاسم، راهپیمایی اربعین، سرود سلام فرمانده که در بیش از بیست کشور دنیا حتی تگزاز آمریکا از آن استقبال می‌شود و تعجب جوامع غربی را برمی‌انگیزد؛ این اتفاقات از کجا دارد سازماندهی و هدایت می‌شود؟ این اتفاقات همان چشمه فیاضی است که علامت بعثت امت است.

**عدو شود سبب خیر**

یکی از رفقای مبلّغی که به یمن رفت ‌و آمد دارد تعریف می‌کرد که ما از بعضی از بزرگان همچون آیت‌الله بهجت شنیده‌ بودیم که در حوادث قبل از ظهور به یمن خیلی توجه داشته باشید؛ ما محاسبه کردیم که با توجه به شرایط یمن ما نیازمند آنیم که حدود دویست سال در این کشور کار فرهنگی بشود اعم از نشست و هیأت و همایش و کانون و تربیت و ... تا بتوانیم این کشور را به یک نقطه‌ای برسانیم که آمادگی این را داشته باشد زمینه‌ساز ظهور باشد، اما در جنگ صعودی ما این دویست سال را طی کردیم و امروز بدون هیچ سازماندهی، گفتمان انقلاب اسلامی و حضرت امام در دل یمن وجود دارد. مگر ما چقدر مبلّغ برای یمن فرستادیم و چقدر کار فرهنگی کردیم؟ پس ما در جریان یمن کاره‌ای نبودیم و نیستیم، همان‌طوری که در جریان اربعین نیز دست بشر نیست و قطعاً یک اراده الهی پشتوانه آن می‌باشد.

**عزم بر نصرت ولی**

حضرت آقا وقتی به عنوان یک حکیم و فقیه و عالم تعبیر می‌کنند به بعثت امت، قطعاً مراد و منظوری دارند که باید فهمیده شود.

چیزی که من از مجموعه سخنان حضرت آقا برداشت کردم، این است که ایشان می‌فرمایند: همانطوری که بین انبیاء فقط بعضی‌ها اولوالعزم هستند و همه با این که مبعوث هستند، اما به مقام اولوالعزمی نرسیدند، حضرت آقا اینگونه اراده کردند که این امت صاحب عزم بشوند؛ بگذارید بحث را قرآنی ادامه بدهیم؛ قرآن در مورد حضرت آدم می‌فرماید: «ولم نجد له عزما» که ذیل این آیه روایتی از وجود مقدس امام باقر وارد شده که حضرت فرمودند مراد از عزم این است که حضرت آدم عزم و اراده‌ای بر نصرت و عهد با حضرت حجت نداشت، بنابراین انبیاء اولوالعزم انبیایی بودند که عزم و اراده بر نصرت و یاری امام زمان داشتند و به این مقام رسیدند.

امروز هم حرف حضرت آقا این است که شما امت مبعوث هستید، اما باید بالاتر بروید و اولوالعزم بشوید؛ یعنی امتی بشوید که عزمش بر عهد و نصرت امامش هست؛ لذا اربعین مقدمه است برای این که امت جمع بشوند و زیارت‌نامه بخوانند و در این زیارت همه یک صدا بگویند «و نصرتی لکم معده»، ما آماده نصرت و کمک هستیم.

بنابراین این شوق و شور و موکب و پیاده روی و زیارت و ... همه مقدمه است تا به امام زمانمان اعلام آمادگی کنیم.

**حجت‌الاسلام و المسلمین سید هاشم الحیدری**

**خدمات متقابل**

چون خیلی از دوستان لطف داشتند و از مهمان‌نوازی‌ها و کرم عراقی‌ها در اربعین تشکر کردند، بنده هم لازم دانستم که از مردم ایران تشکر کنم بابت انقلابشان در 43 سال پیش و بابت جهادشان و شهدایی که به رهبری حضرت امام تا به امروز در راه جبهه مقاومت و اسلام و قرآن تقدیم کردند.

حضرت امام یک فقیه بود و فقهای ما نسبت به اهل‌بیت و ائمه اطهار، قطره‌ای هستند در برابر دریا و ما قصد نداریم کسی را با اهل‌بیت مقایسه کنیم، اما علت پیروزی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه این بود که یاران با وفایی پیدا کردند و یک امت و مردم فداکار و بابصیرت به صحنه آمدند و پای کار ایستادند و انقلاب را به پیروزی رساندند و الا قطعاً حضرت امام بهتر و بالاتر از امام حسین نیست، بلکه ایشان در برابر امام حسین یک قطره‌ای نسبت به دریا است. اما چرا امام حسین به شهادت و حضرت امام به حاکمیت و پیروزی رسید؟ دلیلش همین امت مسلمان ایران است که همه سختی‌ها را به جان خریدند و در جبهه‌ها حاضر شدند و به تعبیر بنده هشت سال در کربلای زمان ما و کربلای امام خمینی مقاومت و جان‌فشانی کردند، همین باکری‌ها و باقری‌ها و همت‌ها و ابراهیم هادی‌ها که پای امام ایستادند و انقلاب امام خمینی را به ثمر رساندند.

ما از شما تشکر می‌کنیم بابت این که ولایت فقیه که هزار و دویست سال در کتاب و کتابخانه بود و فقط به عنوان یک درس تئوری در حوزه‌ها و بین فقهاء مطرح می‌شد، این شما بودید که توانستید با همان اطاعت و یاری و عشق و فداکاری و خون و.. این مباحث را عملی کرده و ولایت یک فقیه جامع‌الشرایط و یک مرجع تقلید را محقق کنید و به آن عینیت ببخشید.

درست است که پذیرایی از زائران امام حسین با قیمه و فلافل و ماهی و اسکان و... در ایام اربعین خوب است و کرم است؛ ولی این کرم کجا و کرم خون کجاست. این کجا و شهادت و اطاعت از ولی در چهل و سه سال کجا؟

**اهمیت ولی فقیه و رهبری**

بنده در جبهه مقاومت به عنوان یک سرباز کوچک، دارم می‌بینم که دشمن دارد با انقلاب چه کار می‌کند، این تحریم‌ها؛ تحریم اقتصادی، تحریم فرهنگی، جنگ نرم، جنگ فرهنگی تمام عیار که شاید در داخل ایران هم محسوس باشد، اما در خارج از این‌جا خیلی شدید است؛ جنگ نرم در عراق، بر علیه نظام جمهوری اسلامی و بر علیه مردم ایران به خصوص امسال خیلی شدید است و قطعاً شرایط امسال، با شرایط سال‌های قبل از لحاظ فرهنگی متفاوت است و با این شرایط، تبلیغ امسال سخت‌تر خواهد بود، زیرا جنگ نرم در عراق به شدت بالا گرفته است و همه این مسائل نتیجه فقدان یک ولی فقیه و رهبر در عراق است؛ به این معنا که ما در عراق رهبری مثل حضرت آقا و حضرت امام نداریم.

من تعجب می‌کنم از بعضی از علما و مبلّغین محرم و صفر در هیأت‌ها و موکب‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌های زنده که بعضاً میلیون‌ها بیننده هم دارند که چرا هیچ حرفی از نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه نمی‌گویند.

چون ولی فقیه، ولی امر کل مسلمین است و فقط مال ایرانی‌ها نیست و این مسئله یک مسئله داخلی به شمار نمی‌رود، من متذکر این مسئله می‌شوم.

**سخت‌ترین آزمون**

من به عنوان یک عراقی و یک سرباز ولایت عرض می‌کنم سخت‌ترین آزمون امت اسلامی در زمان امام حسین و در عاشورای سال 61 هجری چه بود؟ همین‌طور مهم‌ترین و سخت‌ترین آزمون و امتحان در زمان امیرالمؤمنین چه بود؟ مهم‌ترین و سخت‌ترین آزمون و امتحان در زمان حضرت موسی و یحیی و نوح و ابراهیم و پیغمبر و ائمه چه بود؟ بزرگترین امتحان همان بحث رهبری بود. رهبری کیست؟ رهبر کیست؟ رهبر شرعی و الهی، نه رهبر طاغوت مثل یزید.

همواره در طول تاریخ دو جبهه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود و همین امتحان ما در دنیاست که به شناخت راه حق برسیم.

درست است اقامه شعائر و انجام مستحبات و برپایی موکب‌ها و عزاداری و زیارت و... مستحب و خوب هستند، اما اصل قضیه نیستند؛ اصل قضیه در کربلا و عاشورا شناخت امام و اطاعت و پیروی از امام تا شهادت است و الا مسأله گریه و عزاداری و نماز خواندن و قرآن خواندن و مسائل دیگری از این قبیل مسائل فرعی هستند و علت این‌که اهل کوفه در آزمونشان مردود شدند این بود که اصل را رها کردند.

**وجوب اطاعت از نائب امام**

امتحان و آزمون اهل کوفه در این بود که وقتی جناب مسلم بن عقیل که وکیل و نائب و جانشین امام زمان‌شان بود و از رهبر اصلی وکالت و نیابت داشت به سمت آن‌ها آمد، باید تسلیم محض ایشان می‌شدند.

وقتی نامه‌های اهل‌ کوفه به امام حسین رسید، حضرت جناب مسلم بن عقیل را به سمت کوفه فرستاد و امتحان اهل کوفه این شد که رهبری مسلم بن عقیل را بپذیرند و از او تبعیت کنند که در این آزمون موفق نشدند و از آن سربلند بیرون نیامدند، لذا وقتی خود امام حسین هم آمدند کوفیان موفق به یاری آن حضرت نشدند و در زمان ما نیز امتحان و آزمون ما با ولی فقیه و نایب امام زمان است که اگر نیابت و رهبری ایشان را پذیرفتیم، امید آن است که در زمان ظهور در پذیرش ولایت و رهبری امام زمان موفق شویم.

مَثَل امروز ما مَثَل غیبت حضرت موسی و جانشینی حضرت هارون است که تقدیر بر این شد که حضرت موسی مدتی را در غیبت به سر ببرند «وَ واعَدْنا مُوسى‏ ثَلاثينَ لَيْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْر...»[[1]](#footnote-1) و در این برهه ایشان حضرت هارون را برای خودش به عنوان نایب تعیین کردند و فرمودند: «اخْلُفْني‏ في‏ قَوْمي‏» جانشین رهبری، پس بنی‌اسرائیل که با رهبری موسی موفق بودند، ولی در زمان رهبری هارون توسط جنگ نرمی که سامری به راه انداخته بود ساقط و مردود شدند.

خلاصه اینکه اگر در زمان حضرت موسی و هارون، بنی‌اسرائیل با یک گوساله گمراه شدند، امروز هم ممکن است مردم با یک خدعه و یک دروغ رسانه‌ای مردود شوند

**وظیفه امروز**

امتحان امروز ما امتحان زمان امام حسین در سال 61 هجری نیست، همچنین امتحان ما مربوط به زمان حضور امام زمان هم نیست، بلکه به تعبیر شاعر «ما فات مضی و ما سیأتی فأین» آن‌چه گذشته تمام شده و آینده هم هنوز معلوم نیست پس «قم باغتنم الفرصة بین العدمین» وظیفه ما این است، حال حاضر که بین دو عدم است را دریابیم؛ زمان امام حسین گذشته است و مربوط به تاریخ می‌شود، زمان حضور امام زمان نیز مربوط به آینده است و هنوز نیامده پس امتحان ما به چیست؟ امتحان ما با هارون زمان است.

ترس دشمن از ولایت است، و این ولایت آزمون زمان ما است، زیرا ولایت متعلق به همه مسلمان‌هاست. چرا باید زائرینی که از عراق برمی‌گردند هیچ چیزی از ولایت در دوره سفرشان نشنیده باشند؟ اگر من و شما به عنوان مبلّغ یا مسئول موکب در کوفه بودیم و مسلم بن عقیل وارد شد و رفتیم روی منبر، در چنین شرایطی چه صحبتی می‌کردیم؟ در شرایط جانشین امام حسین چه صحبتی می‌کنیم؟ راجع به مظلومیت حضرت زهرا خوب است، درست است ولی کافی نیست. راجع به مظلومیت حضرت علی خوب است، مهم است ولی کافی نیست. راجع به مظلومیت حضرت امام حسن مجتبی خوب است، مهم است ولی کافی نیست. بلکه به نظرم، صحبت راجع به امام حسین که هنوز در راه هستند، هنوز به کوفه نرسیدند باز مهم است، ولی کافی نیست، باید راجع به مسلم بن عقیل صحبت بکنیم. تبلیغ کنیم، مردم را دعوت کنیم برای یاری حضرت مسلم، ایشان رهبر فعلی هستند.

آقایان امام حسین تاریخ است، امام مهدی آینده، ولی آزمون زمان ما ولایت و جانشین امام است.

امتحان از ولایت از آدم تا خاتم و تا ظهور و روز قیامت ادامه دارد و یک روز هم این امتحان متوقف نمی‌شود، حالا یک روز با پیغمبران و رسل است و یک روز با ائمه و یک روز هم با سفرای اربعه در زمان غیبت و در زمان ما هم با فقهاء و ولی فقیه است که باید تمام قد تا شهادت از آن دفاع کنیم و بدانیم که دشمن به شدت در این زمینه دارد کار می‌کند.

**فلسفه اربعین، جهاد تبیین**

ماجرای کربلا و انقلاب امام حسین دو قسمت دارد. قسمت اول حرکت امام حسین از مدینه به کربلاست که عصر روز عاشورا به پایان می‌رسد و قسمت دوم، حرکت حضرت زینب کبری است که از کربلا و از عصر روز عاشورا آغاز می‌شود و به کوفه و شام می‌رود و تا مدینه ادامه دارد.

تکلیف در بخش اول، شمشیر، خون و شهادت و رهبر آن امام حسین بود، ولی بعد از عصر عاشورا، حرکت و موکب‌داری حضرت زینب شروع می‌شود و اولین موکب و هیأت حسینی در اسلام موکب و هیأتی بود که زینب کبری به وجود آوردند؛ تکلیف در این بخش، دیگر خون و شمشیر نبود؛ چرا که همه شهید شدند و فقط حضرت زینب با یک امام معصوم مانده‌اند که آن هم بیمار بود تا به حکمت الهی سبب شود تا جان آن حضرت حفظ شود.

تفاوت موکب حضرت زینب با موکب‌های امروزی در این است که در موکب‌های ما سرها به نیزه‌ها نیست و در این موکب‌ها اسکان و آب و کباب و قیمه و فلافل و همه چیز موجود است، اما موکب زینب هیچ نداشت، حتی امنیت هم نبود، اما با همه مشکلات، پیام داشت؛ مهم‌ترین چیزی که هر موکب باید داشته باشد.

با الهام از بیانات مقام معظم رهبری که فرمودند ما هیأت سکولار نداریم؛ به نظر بنده اگر موکبی در ایام اربعین پیام نداشت، آن موکب سکولار است؛ موکب با بصیرت، همچون موکب زینب پیام دارد.

پیام حضرت زینب این بود که باید در برابر همه ظالمین و زورگویان عالم مثل یزید و مثل شاه و مثل صدام ایستاد و فریاد زد: «فَكِدْ كَيْدَكَ وَ نَاصِبْ جُهْدَكَ فَوَ اللَّهِ لَا تَمْحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحْيَنَا»؛ هر چه نيرنگ دارى به كار ببند و نهايت تلاشت را بكن و هر كوششى كه دارى به كار گير؛ امّا به خدا سوگند [با همه اين تلاش ها] ياد ما را [از خاطره ها] محو نخواهى كرد و [چراغ] وحى ما را خاموش نتوانى نمود و به موقعيت و جايگاه ما آسيب نخواهى رساند.

این پیام موکب حضرت زینب است و فلسفه اربعین و برپایی موکب هم همین است که در کنار زیارت مستحب، باید به جهاد تبیینی بپردازیم که به فرموده حضرت آقا از واجبات مهم امروز و یک فریضه قطعی و فوری است.

به نظرم جهاد تبیینی که حضرت آقا فرمودند یک مسئولیت سنگینی برای همه علما و مراجع و طلبه‌ها در کل جهان اسلام است. من سراغ ندارم ایشان در مورد هیچ مسئله‌ای چنین تعبیری داشته باشند که بفرمایند یک فریضه قطعی فوری است؛ آیا ما به این دغدغه رهبری عمل کردیم؟ امروزه جان آقای سید حسن نصرالله در لبنان و جهان عرب در خطر است، فقط به خاطر این که خط امام و ولایت فقیه را دنبال می‌کند، جان آقای زکزاکی در نیجریه در خطر است، همه سال حمله می‌شود و شهید می‌دهند، نه به خاطر تشیع، بلکه فقط به خاطر خط امام، اسلام ناب، ولایت فقیه است، علت این‌که امثال بنده جان‌شان در خطر است چیست؟ در حالی که امروزه ما در جهان اسلام روحانیت شیعی زیاد داریم که هیچ خطری متوجه آن‌ها نیست، زیرا آن‌ها خطری برای دشمن ندارند و بلکه بعضی‌ها با حرکت‌شان به نفع دشمن عمل می‌کنند.

**جبهه فرهنگی**

اگر در جبهه هستید و در مقابل داعش و امثال آن دارید می‌جنگید و دشمن دارد حمله می‌کند و شما در انبارتان موشک‌ و سلاح دارید، باید از این اسلحه‌ها بر علیه دشمن استفاده کنید؛ چرا بعضی‌ها فقط درس می‌خوانند، اما در جبهه فرهنگی و در جنگ فکری و جنگ فرهنگی که سخت‌ترین جنگ است، از این علومشان و از این موشک‌های فرهنگی استفاده نمی‌کنند. باید از فکرشان، بیان‌شان و کاریزمای تبلیغی‌شان استفاده بشود و این موشک‌های فرهنگی شلیک بشود و با حرف و صحبت و بیان در راه جهاد تبیین قدم بردارند.

باید زینبی عمل شود؛ زیرا حضرت زینب آمد برای جهاد تبیین، در قسمت اول قبل از عصر عاشورا ایشان مسئولیت نداشتند، مسئولیت حضرت زینب بعد از عصر عاشورا شروع شد و این مأموریت فقط منحصر در ایام اربعین و محدود به این دو هفته نیست، باید در طول سال موکب جهاد تبیین و مسئولیت زینبی برپا باشد.

**اربعین؛ آغاز تبلیغ**

مبلغین باید بدانند که بستر اربعین اگرچه بستر مناسبی برای تبلیغ هست، اما فرصت اربعین خیلی کوتاه است و مبلّغ ایرانی از وقتی وارد سرزمین عراق می‌شود و در مسیر نجف به کربلا قرار می‌گیرد زمان کمی دارد و از طرفی عراقی‌ها که مشغول موکب و خدمت‌رسانی هستند و ایرانی‌ها هم بیشتر متوجه زیارت هستند و کسی دنبال تبلیغ نیست؛ پس از نظر بنده اربعین کلید تبلیغ است نه اصل تبلیغ. یعنی اگر سران موکب، مسئولان موکب یا خود مبلّغان عزیز، یا بقیه زائرانی که فعال هستند تا می‌توانند در اربعین ارتباط برقرار کنند و بعد از اربعین به تبلیغ خود ادامه دهند که در این صورت شما 340 روز برای تبلیغ دارید، یعنی کلید تبلیغ برای سال اربعین است، از اربعین تا اربعین.

حضور شما در اربعین فرصت برای ایجاد علاقه و ارتباط بین موکب‌ها و جوانان و نخبه‌های عراقی است. شاید فرصت شما در عراق برای ایجاد ارتباط با یک جوان و یا نخبه عراقی فقط نیم ساعت یا پانزده دقیقه باشد، اما ادامه این ارتباط از طریق موبایل یا شبکه‌های مجازی مهم است و اگر هم روزی آن‌ها به ایران آمدند، شما از باب رد الجمیل آن‌ها را دعوت کنید که این مسائل در تقویت روابط بسیار مؤثر است.

**اهمیت زبان در ارتباط‌گیری**

ما به عنوان یک مبلّغ دینی باید زبان عربی را یاد بگیریم؛ چرا که به نظر من یکی از مشکلات اربعین برای زائران ایرانی در ایجاد ارتباط با مردم عراق، زبان است؛ متأسفانه نه تنها مردم عادی بلکه حتی در حوزه‌های علمیه مسأله زبان عربی خیلی قوی نیست. امروزه داعشی‌ها از هر منطقه‌ای که باشند از چچن و بلغار و افغانستان و کشمیر و... و کسانی که در حوزه‌های پاکستان و افغانستان درس خوانده‌اند، وقتی برای جنگ وارد سوریه و عراق می‌شوند، کاملاً به زبان عربی مسلط هستند. مسأله زبان عربی از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا عربی زبان قرآن و زبان دین‌مان است.

بنابراین مسأله زبان یکی از مشکلات اساسی تبلیغ در اربعین است و باید مبلّغین ابتدا این مشکل را برطرف کنند.

**توجه به شرایط سیاسی عراق**

البته تبلیغ و پیام‌رسانی باید با بصیرت و دقت باشد، چون شرایط امسال عراق خیلی سخت است؛ اختلافاتی که بین سران شیعه و جریانات مختلف رخ داده و تبلیغاتی که آمریکا و عربستان بر علیه ایران راه انداخته و کاری هم به ایران شاهنشاهی و ایران سکولار ندارند، بلکه تمرکزشان بر روی ایران ولایی است؛ زیرا امروز در کل جهان هدف امریکا و اسرائیل و آل سعود نظام جمهوری اسلامی است و به نظر من امسال و به طور کلی در این دوران دفاع از ولایت فقیه از اوجب واجبات است و قطعاً امروز این مسئله از نماز و اربعین مهم‌تر است.

تا چند سال پیش در زمان صدام، اربعین و موکبی نبود و فقط یک عده محدودی بودند که در بیابان‌ها و به طور مخفیانه می‌رفتند، پس اربعین اصل نیست و این ولایت است که اصالت دارد.

**تحقق هدف اهل‌بیت**

اقامه نظام اسلامی دغدغه و امید حضرت زهرا بود که در این راه جهاد کرد و از ولایت و حاکمیت دفاع نمود. غدیر توسط نظام جمهوری اسلامی متجلی شد و به ظهور رسید و تطبیق و اجرایی شد؛ شما مردم ایران به رهبری حضرت امام بزرگترین و مهم‌ترین کار را در زمان غیبت، انجام دادید.

درست است تأسیس حوزه علمیه و داشتن یک کتابخانه خوب و مجهز و تبلیغ از دین و منبر و سخنرانی و اقامه موکب و پذیرایی از زائرین امام حسین خیلی خوب است و بر روی سر ما جا دارد، ولی این‌ها کجا و اقامه نظام اسلامی کجا؟ اصلا قابل قیاس نیستند. دفاع از حاکمیت هدف حضرت زینب و پایه و اساس قیام امام حسین بود؛ پیام شماره یک انقلاب امام حسین این است که حضرت می‌فرماید: «مثلی لا یبایع مثله» یعنی آن کسی که مثل من است با مثل یزید بیعت نکرده و زیر بار حکومت او نمی‌رود، پس دعوا بر سر حاکمیت اسلام است.

**حکومت اسلام و حکومت طاغوت**

راه مستقیم و هدایت مردم در گرو این است که اسلام حاکم باشد و اگر حکومت به دست طاغوت و جائران، بیفتد قطعاً باعث انحراف مردم می‌شود.

قرآن می‌فرماید: «قالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّةً وَ كَذلِكَ يَفْعَلُونَ»[[2]](#footnote-2)اگر حاکمانی مثل شاه و صدام، بر سر کار بیایند، مردم ذلیل می‌شوند و از دین دور می‌شوند.

لذا از بعضی ائمه نقل شده که فرمودند: «الناس علی دین ملوکهم»[[3]](#footnote-3) مردم بر همان دین ملوک‌ خودشان، پادشاهان خودشان هستند، چون رسانه و سیاست و اقتصاد دست آن‌ها است.

در جمهوری اسلامی سیاست و اقتصاد دست اسلام و امت مسلمان است و اگر هم مشکلاتی هست طبیعی است، زیرا این مشکلات و این گرانی‌ها در کل جهان وجود دارد و جایی نیست که این مشکلات را نداشته باشد، در اروپا هم خشکسالی، گرانی، سرقت علنی وجود دارد و قانون در آن‌جا دارد ضعیف می‌شود و این آینده غرب است، اما آینده اسلام به دست شماست، عزت اسلام فقط با موکب‌ها حاصل نمی‌شود بلکه در دعای افتتاح می‌خوانیم «اللهم إنّا نرغب الیک فی دولةٍ کریمة» دولتی که اثرش عزت اسلام و مسلمانان است «تعز به الاسلام و اهله» و در سایه این حکومت نفاق ذلیل می‌شود «و تذل به النفاق و اهله»؛ بنابراین عزت فقط با حاکمیت اسلام محقق می‌شود و این حاکمیت تاکنون فقط در ایران محقق شده است. همه مسلمانان باید قدردان این ولایت فقیه و جمهوری اسلامی باشند، زیرا این مسأله مربوط به یک مرز و خاک نمی‌باشد؛ درست است که مرزهایی وجود دارد، اما اصل، اسلام و ولایت است. صدر اسلام و زمان حضرت فاطمه و حضرت علی، وطن نبود و تنها وطنی که مطرح بود وطن اسلام بود و به تعبیر حضرت آقا، مرزها فقط مرز اعتقادی و هدف دفاع از حریم و حرمت اسلام است.

1. - اعراف، 142. [↑](#footnote-ref-1)
2. - نمل، 34. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 102، ص 7، [↑](#footnote-ref-3)